

جدالهای زرگری "مذهب علیه مذهب" و استراتیژی استعمارنو!

اجتهاد، برجسته ترین شاخصه روح علمی و بینش اعتقادی مذهب اسلام است و انسان موحد آنچه را که حق می پندارد بر هیچکسی تحمیل نه میکند بلکه خود را نمونه میسازد تا برای دیگران سرمشق قرار گیرد

شیخ شلتوت (ع) دانشمند شهیر مصری

پیوسته به گذشته قسمت دوم :



نوشته ای از محمد امین فروتن

در نخستین قسمت این نوشتار کوشش کردید تا رؤس اختلاف دیدگاه های دوجناحی از اندیشمندان امریکا نشین را در زمینه جهان بینی فلسفی و تاریخی شان درحوزه زندگی دینی انسان نشان دهی کنید چنانچه شما خواننده گان ارجمند واقف هستید مسأله تعامل و معیار مناسبات با پیروان دیگر ادیان آسمانی بویژه شهروندان ایالات متحده امریکا را به مثابه روح و روان چنین جدالها، مختصراً به بررسی گرفتید. زیرا یکی از بزرگترین توجهاتی که درس خوانده های از مکتب «بازگشت به قرآن» یا حاملان گفتمانی که بنام «قرآنیون» نامیده میشود در اندیشه های خود دارند همانا نوع مناسبات مسلمانان با تک تکی از شهروندان سرزمین پهناور ایالات متحده امریکا است که اکثریت شان ریشه های در مذاهب مسیحیت و یهودیت را دارا اند. کاملاً طبیعی است و نباید تعجب کرد که چگونه برخی از فعالان حوزه دیانت اسلامی که با انگیزه های گوناگونی از سرزمین های شرقی و اسلامی بسوی امریکا ی قدرتمند مهاجر شده و با سپری کردن چندین دهه از عمر "مبارک!" شان که در زیر سایه و گاهی خدمت نظام اقتصادی بازار آزاد و دموکراسی لیبرال غربی سپری کرده اند تلاش به خرج میدهند که بجایی کشف و یافتن فورمول ها و معادلات اصلی ای مفاهمه و پذیرش تاریخی و تمدنی، در متن ادیان آسمانی منجمله دین مقدس اسلام، بومی از شائعات و افتراء دشمنانه ای را که توسط کاردینال های مذهبی و طراحان تیوری های نفرت انگیز مسیحیت و یهودیت بسته بندی میگردد با یک شستشوی مختصر مغزی بدست نیروهای اکادمیک ملت های شرقی در میدان مسلمانان منفجر میسازند که دشمنان ملیس به جامه مذهب و قدرت قرن بیست و یکم از تمامی داستان های کودکانه و افسانه های سر تا پا دروغینی که با مهارت و نبوغ شیطانی درباره زندگی خصوصی محمد (ص) میسازند و همچون غول وحشتناکی از زندگانی پیامبر به نمایش داده می شود، مسأله زن های پیامبر بویژه ازدواج با حضرت بی بی عایشه (رض) است که در اروپای مسیحی به بدترین وجه و غیر واقعی ترین نحو تفسیر میشود. این دروغ و این لولوی سر خرمن همواره در غرب ابزار

دست کسانی بوده که می‌خواستند و می‌خواهند اسلام را و پیامبرش محمد (ص) را به نحو غیر اخلاقی و غیر مدنی خوار و ذلیل سازند.!! چیزی که در این پروژه مسخ شخصیت پیامبر اسلام جلب توجه میکند و نسبت به دیگر برنامه های شکست خورده طراحان استعمار نو و بورژوازی جهانی دارای ویژه گی خاصی میباشد همانا انگیزه آغاز و براه انداختن چنین مشاجرات و مناظره های است که نسخه سیاسی اش برستون پوسیده آن مبتنی است و بدون شک هرگونه گفتمان و دیالوگی که با انگیزه خیرخواهانه و ازبطن مصالح علیای جوامع انسانی بر نه خیزد و اراده آزاد انسان متفکر در آن شامل نباشد ، مسلماً هر نتیجه ای که بر آن مرتب گردد به نفع استعمار تمام میشود. زیرا وقتی مؤلفه کشف یک حقیقت در مغایرت با موازین گفتمان ساللا و نقد سازنده بر خرابه ها و خاکستری از **شأنات هدفمندانه و رسوای تاریخ!** راجع به زندگی خصوصی شخصیت های بزرگ و تاریخ ساز ملتها بویژه انبیا و پیامبران موفق که سازنده گان بزرگترین تمدن ها و فرهنگ های بشری اند استوار باشد نه تنها آثار و رسوبات آن به نفع جوامع انسانی نیست بلکه با براه انداختن چنین مناظره های بی مفهوم و « مناظره برای مناظره!» هر نتیجه ای که از این برج عاج بی بنیاد پائین آید به نفع استعمار جهانی است. چنانچه در مسأله ازدواج پیامبر گرامی اسلام با دختر شش ساله و یا هلا با هر سنی از بلوغ که در نتیجه یک مباحثه درون دینی میان اندیشمندان مسلمان به اثبات برسد طرح چنین پرسش غرض آلود و بیمار گونه ، خود مؤلد و پیروس درد ناک و کشنده ای از اهانت به کرامت انسان است .

فقدان اجتهاد پویا و جمعی به مثابه میکانیزم سیاسی :

مهمترین نکته ای که می‌خواهد به سلسله تبیین اهرم های مورد اختلاف هردو جناح و در عین حال وجه مشترک آنها در عرصه فلسفه و حیات سیاسی و اجتماعی به عرض برساند این است که دانش یافته گان هردو جناح به دلایل مختلفی که نزد شان موجود است یکسان در برابر " اصل اجتهاد جمعی " که از اصول فطری در تکامل جوامع بشری محسوب میشود موضع واحدی داشته اند . یعنی اینکه حاملان هردو قرنت در عین حالیکه نه میتوانند از ضرورت فرآیند اجتهاد و نقش آن در تکامل جوامع بشری چشم‌پوشانند ، انطباق معادلات دینی و مذهبی با فرآیند اجتهاد جمعی را نادیده میگیرند که با چنین بی توجهی به اصل اجتهاد جمعی در حوزه شناخت و رسیده گی به نیازمندی های حقوقی ، و اقتصادی جوامع بشر عملاً و طبیعتاً از مؤلفه های نظام سکولار متابعت میکنند . یکی از چالش های اصلی که در نحوه بیان دوگفتمان مورد نظر وجود دارد همانا " تفسیر دین در قلمرو تاریخ عهد قدیم " است که مؤقف و موضع گیری دین را به شیوه منجمدانه و متحجرانه در حوادث تاریخی دیگر اقلیل ها و مقاطع دیگری از تاریخ جستجو میکنند . که جریان مکتب قرآنیون و حاملان قرنت تمسک به قرآن و **انتقای احادیث** ، مفهوم و مضمون حاکمیت دین در جوامع گذشته بالخصوص دوران پر آشوب صدر اسلام را تنها با ترمولوژی عصر جدید منتقل میسازد و بدون آنکه راه کارهای جدید برای حیات عمومی انسان کنونی را نشان دهد کند به بسیار آسانی از بخش بزرگی از تاریخ اسلام که بر ستون احادیث استوار است انکار میکنند . با چنین نگرش و تفکر نباید جای تعجب کرد که گروه و جریانی که در عصر حاضر لقب "قرآنیون" را گرفته است از ارائیه هرگونه برنامه مستقل سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی که از سینه دین به عنوان رهنمایی عقلانی انسان معاصر برخاسته باشد عاجزاند و همین ناتوانی شان سبب شده تا در قلمرو حیات روزمره انسان و جامعه که در اقلیل های گوناگون و با شرایط گوناگون تاریخی ، سیاسی و فرهنگی زندگی اختیار کرده اند سیستم بورژوائی و اقتصاد بازار آزاد

را که بر شانه های دموکراسی لبرال با قرنٹ غربی حمل میشود بهتر ین نسخه برای پیشرفت و تعالی بشر تجویز کنند . زیرا دانشمندان و تیوری پردازان این مکتب یا تمامی کسانی که در نهایت با عبور از شیوه های گوناگون تشکیلاتی در ادوارمختلف تاریخ بشر ظهور نموده اند ، تنها آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن را برای رهنمائی بشریت کافی میدانند .

لهذا در چنین راه یافت است که دین اسلام نیز به مانند سائر ادیان ابراهیمی چون مسیحیت و یهودیت بصورت طبیعی متعلق به حوزه خصوصی و اخلاقی حیات بشر نزول میکند . لهذا کسانی بویژه حاملان قرنٹ « حسبنا کتاب الله » که در بافت فکری و تاریخی جوامع اسلامی می خواهند با توصل به مفهوم « سکولاریزم » بر آزادی ، دموکراسی ، و جدائی نهاد دولت از نهاد دین تکیه کنند ، خویشتن را دُچار اختلاط حوزه های معنایی متفاوت و پارادُکسیال میسازند که به سادگی نه میتوانند از یک مرحله به مرحله دیگری انتقال یابند .

البته یکی دیگر از مسائل به ظاهر اختلافی ی که میان این دو دیدگاه موجود است همانا مسأله حکومت در اسلام است که جناح مدافع احادیث یا همان گفتمانی که درمقابل قرنٹ « قرآنیون » قرار دارد و علی الرغم تعطیل و بستن درب اجتهاد و عقلانیت در اسلام ، متون شریعت اسلام بویژه با قرنٹ بنیادگرایانه مذهبی را برنامه زندگی تمامی بشریت در همه نسل ها و همه عصر ها می شمارند اما از ارئیه ساده ترین برنامه اقتصادی و سیاسی برای مدیریت جامعه و جهان پیچیده ء امروزی عاجزند مگر محکومیت انسان بر پیشرفت و ترقی و جبر تاریخی در حیات بشر سبب شده تادر زیر سایه قرنٹ متحجرانه و بنیاد گرایانه مذهبی به مثابه نیروی جاده صاف کن نظام بورژوازی قرار گیرند و سلطه مافیای بازار آزاد بر جوامع عقب مانده را **توجیه شرعی!!**نمائند .

جای بسی تعجب است که حاملان این قرنٹ بنیاد گرای شریعت مدار با اتکای دگماتیک به منابع فقهی و مذهبی عموم باشندگان کره زمین را که قبل از ظهور دین اسلام در عصرهای دیگری و نسل های دیگری زیسته اند از باب اینکه برای حاملان این قرنٹ متحجرانه ، معیار توحید و شرک پایبندی کامل بر عصر صدر اسلام بویژه حیات محمد رسول خدا دانسته میشود لهذا باشندگان عصر قدیم در تاریخ گذشته را مشرک نامیده و به جز پیامبرانی که ذکر آن در قرآن پاک آمده است همه را یکسره مشرک و مباح الدم می نامند ...

ادامه دارد

۱ : واژه « **مذهب علیه مذهب** » نام کتاب مشهور متفکر و دانشمند جهان اسلام زنده یاد دکتور شریعتی است که نویسنده این یادداشت از بابت تشابه وضعیت موجود آنرا بکار برده است .